

امتحانات نیمسال دوم - گروه الف
اردیبهشت ۱۳۹۷

پرونده:		درس: (رجال - ۲ن)	
تاریخ: ۹۷/۰۲/۲۵	ساعت: ۸	پایه: ۹	
کد مصمم	به مروف	به عدد	
		نتیجه	
		بازبینی	

شهرستان:

مدرس:

محل آزمون:

نام و نام خانوادگی:

نام پدر:

کد ملی:

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۷ سؤال تشریحی پاسخ دهید. در صورت پاسخ به همه، به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود. (تستی ۰/۵ و تشریحی ۲/۵ نمره)
(محدوده: کلیات علم رجال استاد سبحانی، از اول مشایخ الثقات تا آخر کتاب، کل محدوده)

تستی

۱. إِنَّ الْمَقْصُودَ مِنْ قَوْلِهِ ﷺ: «خَذُوا بَمَا رَوَوْا وَ ذَرُوا مَا رَأَوْا» فِي حَقِّ بَنِي فَضَّالٍ هُوَ أَنَّهُ ج/۲۷۸

ا. یُوْخَذُ بِكُلِّ مَسَانِيدِهِمْ □ ب. یُوْخَذُ بِكُلِّ مَرَاثِلِهِمْ □ ج. لَا یُضَرُّ فِسادَ عَقِيدَتِهِمْ بِحُجَّتِهِمْ رَوَايَتِهِمْ الْمَنْقُولَةَ قَبْلَ الْفِسادِ □ د. لَا یَجِبُ التَّفْتِيشُ عَنْهُمْ حَتَّى یَتَبَيَّنَ الثَّقَّةُ عَنْ غَیْرِهِ □

۲. کدام کتاب، از کتب رجالی ابن حجر عسقلانی نیست؟ د/۲-۴۹۱

ا. تهذیب‌التهذیب □ ب. الإصابة فی تمییز الصحابة □ ج. لسان‌المیزان □ د. أسد‌الغابة □

۳. به کدام گروه «واقفیه» می‌گویند؟ ا/۴۱۲

ا. کسانی که موسی بن جعفر علیه السلام را امام غایب می‌دانند □

ب. کسانی که بر امامت محمد بن اسماعیل متوقف شدند □

ج. کسانی که امامت حضرت جعفر صادق علیه السلام متوقف شدند □

د. کسانی که اسماعیل بن جعفر را امام می‌دانستند □

۴. الذین قالوا إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ حَىَّ لَمْ یَمُتْ وَ لَا یَمُوتُ حَتَّى یَظْهَرَ وَ یَلِیَ أُمُورَ النَّاسِ وَ أَنَّهُ هُوَ الْمَهْدِیُّ ﷺ هُمُ الْمُسَمَّونَ بِـ ب/۴۰۸

ا. الاسماعیلیة □ ب. الناوسیة □ ج. الجارودیة □ د. الفطحية □

۵. قد یحذف الكلینی صدر السند فی الخبر مبتتیا علی الخیر الذی قبله و هذا ما یعبّر عنه فی کلام أهل الدراية بـ ب/۴۵۰

ا. التصحیف □ ب. التعليق □ ج. الإضمار □ د. التقطیع □

تشریحی

* قال ابن‌فهد الحلّی فی مسألة وزن الکر بعد نقل رواية ابن‌أبی‌عمیر: «و لا یضعفها الإرسال لعملمهم بمراسیل ابن‌أبی‌عمیر».

۱. مقصود از عبارت چیست؟ توضیح دهید.

یعنی مرسله بودن حدیث مورد نظر، باعث تضعیف آن نمی‌شود؛ زیرا مرسل آن، ابن‌أبی‌عمیر است و ایشان از اشخاصی است که رجالیان در موردش معتقدند که: «لا یروی و لا یرسل إلا عن ثقة» پس ارسالات ایشان در حکم مسند، و مروی از ثقة است. ۲۱۱

* قالوا إِنَّ هذه التسوية (بین مراسیل المشایخ الثقات و مسانید غیرهم) لا یتمّ لأثّه من المظنون قویاً أنّ منشأ ذلك هو بناء العامل علی حجّية خبر کلّ إمامی لم یظهر منه فسق و عدم اعتبار الوثاقه فيه كما نسب إلى القدماء و علیه لا أثر لهذه التسوية بالنسبة إلى من یعتبر الوثاقه.

۲. اشکال را تبیین کرده، پاسخ آن را بنویسید.

اشکال: ممکن است قول به تسویه ناشی از این باشد که قائل به آن، خبر هر امامی را که فسقی از او دیده نشده صحیح بداند؛ لذا به مراسلات مشایخ الثقات هم اعتماد کرده است، چنان که می‌بینیم قدما وثاقت را در راوی معتبر نمی‌دانند.

پاسخ: اینکه به قدما نسبت دهیم به روایات هر امامی‌ای که فسقی از او دیده نشده عمل می‌کنند، صحیح نیست و مخالف با سخن شیخ طوسی علیه السلام در عده است. اگر این نسبت به قدما صحیح بود، تقسیم خبر به ثقة و ضعیف و مجهول وجهی نداشت و باید قدما سخن هر کسی را که ضعفش ثابت نشده می‌پذیرفتند. ۱_۲۳۰

۳. نظر مرحوم بروجردی نسبت به مشیخه صدوق و تهذیبین چیست؟ توضیح دهید.

ایشان می‌فرماید: ذکر مشیخه توسط صدوق و شیخ طوسی فقط برای این است که احادیث کتابشان را از ارسال خارج و به صورت مسند آورده باشند و الا نسبت کتبی که از آنها روایت کرده‌اند به مؤلفین ثابت و حتمی بوده و محتاج به بررسی سند نمی‌باشد یعنی ذکر طرق و مشیخه برای تیمن و تبرک و اتصال سند بوده است. ۳۹۳

* قد آوردوا علی القاعدة (قاعدة التسوية) نقضاً بعبده بن قاسم الحضرمي فقد قال النجاشي بأنه كذاب غال يروي عن الغلاة و قال ابن الغضائري أنه غال متهافت و روى محمد بن أبي عمير عنه عن الصادق عليه السلام «... كن لما لا ترجو أرجى منك لما ترجو...» و يلاحظ عليه: أولاً أنه من المحتمل اعتماد النجاشي في تضعيفه إلى تضعيف ابن الغضائري و ثانياً: أن ابن أبي عمير لم يرو عنه إلا رواية واحدة و لا صلة لمضمونها بالأحكام و لعله كان ملتزماً بأن لا يروي إلا عن الثقة فيما يمت بالحكم الشرعي بصلة.

۴. دو پاسخ مصنف به نقض فوق را تبیین کنید.

اولاً ممکن است نجاشی در کذاب شمردن وی، به تضعیف ابن غضائری اعتماد نموده و تضعیفات ابن غضائری، ارزشی ندارد؛ بنابراین تضعیف نجاشی هم بی‌ارزش می‌شود. ثانیاً ابن ابی‌عمیر فقط یک روایت اخلاقی و تربیتی از او نقل کرده است و ممکن است این التزام ابن ابی‌عمیر به نقل از ثقات، تنها در احکام شرعی بوده است، نه در موضوعات اخلاقی یا تربیتی. ۲۴۹_۵۰

* أحمد بن عيسى، أخرج أحمد بن محمد بن خالد البرقي القمي من قم لأنه كان يروي عن الضعاف لكنه أعاده إليها معتذراً إليه، و لكن الظاهر أن أحمد بن محمد بن عيسى أخذ على البرقي إكثار الرواية من الضعاف و هو يدل على عدم إكثاره منها لا أنه لا يروي عن ضعيف قط.

۵. أ. چگونه می‌توان اثبات کرد که «أحمد بن محمد بن عيسى» تنها از ثقات نقل می‌کند؟ ب. نظر مصنف در این باره چیست؟

ا. اگر خود أحمد بن محمد بن عيسى از ضعف روایت می‌کرد قاعداً نباید بر احمد بن محمد برقی نسبت به روایتش از ضعف خرده می‌گرفت و او را به جرم این کار از قم بیرون می‌کرد؛ در حالی که این برخورد، نشان دهنده آن است که احمد بن محمد بن عيسى از ضعف نقل نمی‌کرده است.

ب. استدلال مزبور صحیح نیست؛ زیرا اخراج برقی از قم به سبب نقل از یکی یا هر ضعیف نبوده است، بلکه چون إكثار روایت از ضعف داشته، وی چنین برخوردی کرده است؛ لذا ممکن است خود احمد بن محمد بن عيسى از یکی دو ضعیف نقل داشته باشد؛ اما إكثار از ضعف نه. ۲۷۵_۶

۶. نظر مصنف درباره «ما وقع في أسناد كامل الزيارات» چیست؟ یک دلیل بر اثبات مدعای ایشان بنویسید.

أن المؤلف (ابن قولويه) نص على توثيق كل من صدر بهم سند احاديث كتابه لا كل من في أسناد الروايات أي يدل على توثيق كل مشايخه لا توثيق كل من ورد في أسناد الروايات. و الدليل عليه: ۱. أنه استرحم لجميع مشايخه و مع ذلك نرى أنه روى فيه ممن لا يستحق ذلك الاسترحام؛ ۲. روى عن بعض ممن لا يركن إلى حديثهم؛ ۳. القدماء كانوا ملتزمين بعدم أخذ الحديث إلا ممن ثبتت وثاقته و العناية بحال الشيخ أكثر من عنايتهم بمن يروي عنه الشيخ. ۳_۳۰۱

* قال ابن داود: إذا وردت رواية يروي فيها موسى بن القاسم عن حماد فلا تتوهمها مرسله لكون حماد من رجال الصادق عليه السلام لأن حماد إما ابن عثمان و قد بقى إلى زمن الرضا و روى عن الصادق و الكاظم و الرضا و أمّا ابن عيسى فقد لقي الإمام الصادق عليه السلام و بقى إلى زمن أبي جعفر الثاني عليه السلام.

۷. هر یک از عبارت‌های «لكون حماد...» و «لأن حماد...» تعلیل چیست؟ توضیح دهید.

- «لكون» دلیل ارسال است. - «لأن حماد» دلیل بر عدم ارسال.

روایات موسی بن قاسم از حماد مرسله نیست؛ چون حماد که راوی از امام صادق علیه السلام است و طبقه او به موسی بن قاسم نمی‌خورد جواب می‌دهد که حماد یا ابن عثمان است که تا زمان امام رضا علیه السلام زنده بوده یا ابن عثمان که امام صادق علیه السلام را درک نموده و تا زمان امام جواد علیه السلام زنده بوده است. ۴۶۰

۸. به نظر مؤلف آیا جمع‌آوری کتاب «کافی» در مدت بیست سال، بیان‌گر صحت احادیث آن است؟ چرا؟

خیر؛ زیرا تألیف کتاب در این مدت به خاطر تمییز روایات صحیح از غیر صحیح و فقط جمع‌آوری روایات مورد اطمینان نبوده، بلکه این جهت یکی از اهداف کلینی بوده و اسباب دیگری مانند پیدا کردن نسخه‌های صحیح و دقت در مضمون حدیث و موضوع‌بندی آنها و غیره سبب طول کشیدن تألیف کافی شده است. ۳۶۶